

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۴

شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت‌های باارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی (نمونه‌موردی بافت تاریخی عودلاجان محله امامزاده یحیی)*

الهام پرویزی** محمدرضا بمانیان*** محمدجواد مهدوی‌نژاد****

چکیده

بافت‌های تاریخی یادآور دوره‌ای است؛ که شهرها براساس نیازها، اهداف و سلیق ساکنان آنها برپا شده‌اند. به عبارتی، دنیای ذهنی سازندگان و ساکنان با یکدیگر قرابت داشت. اما مداخلات امروز بدون توجه به پادها و تعلقات شهروندان و نیازهای ذهنی آنها با توسعه‌های سریع در بافت‌های تاریخی به خاطر هزدایی و نابودی هویت شهرها منتج گردیده است. از این رو، معماری به‌عنوان بخش مهمی از کالبد شهری، گسیختگی را نه تنها در بافت شهری، بلکه با ذهنیت اصیل ساکنان بافت تجربه می‌کند. این نوشتار علاوه بر روشن ساختن اهمیت ذهنیت اصیل در رویکرد طراحی معماری جدید در بافت‌های تاریخی، در تحلیل‌های صورت گرفته، به این پرسش پاسخ داده است؛ که با توجه به رویکردهای مختلف معماری از تضاد تا تشابه در بناهای میان‌افزا، چگونه می‌توان با استخراج کیفیت‌های بافت از ذهنیت‌های اصیل، رویکرد معماری را در فضاهای میان‌افزا تبیین کرد؟ روش تحقیق پژوهش کیفی، با رویکرد موردپژوهی است. گردآوری داده‌ها از طریق بررسی کتابخانه‌ای و منابع دیجیتال به روند رویکرد معماری در بافت‌های تاریخی و نیز نحوه هویت‌بخشی بافت‌های تاریخی می‌پردازد. سپس از طریق مصاحبه با اهالی قدیمی محله امامزاده یحیی به‌عنوان یکی از سه محله عودلاجان، خاطرات مشترک شناسایی گردیده است. نتیجه آن به‌صورت پرسش‌نامه بین اهالی امامزاده یحیی توزیع گردید؛ تحلیل نتایج از طریق نرم‌افزار Spss و در تست Tukey، نشان‌دهنده تفاوت معنادار پاسخ گروه اهالی با قدمت سکونت بالای ۴۰ سال با سایر گروه‌ها بود. لذا این گروه، مرجعی جهت رجوع رویکرد طراحی معماری شناسایی شدند. سپس نتیجه این گروه جهت تبیین رویکرد طراحی معماری‌های جدید در بافت بررسی شد. براساس نتایج این گروه معماری در بافت‌های تاریخی وابسته به کاربری، مجاورت با دانه‌های باارزش، رویدادهای ناملموس مشترک و... است؛ که همگی از ذهنیت‌های اصیل بافت، قابل استخراج است. همچنین، لازم است در طراحی معماری در بافت‌های تاریخی در راستای ارتقای هویت کالبدی مورد استناد قرار گیرد.

کلید واژگان: ذهنیت اصیل، هویت کالبدی، بافت تاریخی، طراحی معماری، عودلاجان، محله امام زاده یحیی

* مقاله پیش‌رو، برگرفته از رساله دوره دکتری الهام پرویزی، پژوهشگر دوره دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس، با عنوان «تبیین اصول طراحی معماری در بافت‌های باارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی (نمونه‌موردی بافت تاریخی عودلاجان)» است

com.gmail@e.parvizi

** دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

*** استاد، دانشکده معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

**** دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

تا چندی پیش بناهای شکل گرفته در بافت‌های شهری، علی‌رغم تفاوت در سبک و زمان با قرابتی صمیمانه در کنار یکدیگر استقرار می‌یافتند. اما امروزه مداخلات در بافت‌های تاریخی شهر در جهت ناهمگونی و همچنین، عدم آگاهی از روایات نهفته در شهر و آنچه موجب تعلق به مکان می‌گردد؛ تنها با فراهم آوردن نیازهای زیرساختی، دستاوردی جز خاطره‌زدایی و نابودی هویت شهرها نداشته است.

در ایران این پدیده، پس از توسعه‌های جدید در جهت فراهم‌سازی نیازهای فیزیکی شهر در ۱۳۰۰ ه. ش.، خیابان‌کشی‌ها، ورود مصالح جدید، ورود معماران تحصیل کرده غرب و تغییر سبک زندگی پس از دهه ۴۰ ه. ش.، سرعت گرفت؛ و باعث رهاشدگی بافت‌های تاریخی، در قلب شهرها گردید. میدان‌های قدیمی شهر که مکانی برای گردهمایی شهروندان، روبرویی و تولید خاطرات و هویت شهری بودند، جای خود را به پارکینگ‌ها دادند؛ و بدین ترتیب، وحدت و هم‌شکلی نظام خانه‌سازی در بافت ارگانیک و متوازن شهرهای تاریخی تضعیف گشت.

این اتفاقات، منتج به کاهش تعلق و دل‌بستگی ساکنان برای حفظ این فضاها گشته؛ و در نتیجه بسیاری از ساکنان اصیل این مناطق، خانه‌های خود را ترک کردند؛ تا در محله‌های جدید و به‌ویژه آپارتمان‌های مدرن ساکن شوند. به تدریج افراد کم‌درآمد جای آنها را اشغال کردند. افرادی که احساس تعلقی نسبت به مکان زندگی خود نداشتند. از این رو، پیرو فرسودگی کالبدی، معضلات اجتماعی نیز افزایش یافت و فساد جرم و جنایت، این محله‌ها را دربرگرفت.

با این همه، نگرش جهانی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تغییرات مثبتی به این امر داشته است؛ به طوری که در گزارشی تحت عنوان "کیفیت شهر و منطقه"^۱ (۱۹۹۴)، یکی از سوالات کلیدی این بود: چگونه می‌توان به طریقی جدید دست یافت که هم ویژگی‌های محلی را دربرگیرد؛ و هم احساس تعلق به جامعه را تقویت کند.

در پی دغدغه‌های مطرح‌شده، ضوابط محیطی مختلفی در نحوه توسعه‌های جدید ارائه شد. با این همه، شیوه ساخت و ساز و سبک طراحی‌های جدید همواره تحت تأثیر عوامل مختلف شکلی زمینه و در بیشتر موارد متأثر از گرایشات معماران بوده است؛ که گاهی موفق و گاه ناموفق در بافت‌های تاریخی عمل کرده‌اند. رویکردهای مختلف به معماری در بافت از طراحی همسان با معماری بافت، تا تضاد و بی‌تفاوتی به زمینه گسترش دارد؛ و در این طیف نیز رویکردهای مختلفی به این امر وجود دارد.

محله مورد بررسی در این نوشتار، امامزاده یحیی، از آن جهت که در قلب تاریخی تهران قرار دارد؛ و از طرفی محله‌ای مسکونی است که ساکنان آن می‌توانند در نگهداری و ارتقای هویت آن نقش مؤثری داشته باشند؛ دارای اهمیت بسزایی است. این محله به‌عنوان یکی از زیرمحللات عودلاجان و نیز یکی از محلات پنجگانه تهران صفوی، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ از طرفی به علت وجود بازار و متعلقات آن به شدت، در حال فروپاشی هویتی است. حدود ۶۰ درصد بناهای آن نیاز به تخریب و نوسازی دارند؛ و تعیین نحوه و رویکرد معماری در آنها می‌تواند؛ بخشی از چالش‌های هویتی بافت را در مسیر ارتقا هدایت کند.

از این رو نوشتار حاضر در پی آن است؛ که منبع تغییرات و تحولات مثبت جدید در بافت‌های تاریخی را در خود بافت جستجو کند؛ و به بافت تاریخی چون چشمه‌ای جوشان بنگرد؛ که می‌تواند ایده‌های نو را در خود بیافریند. همان‌طور که در فرضیه‌ها بیان خواهد شد، معتقد است که در این صورت هویت بافت تاریخی در عین حفظ می‌تواند نو به نو و تازه گردد. در این راستا، ابتدا به روند طی شده معماری در بافت‌های تاریخی پرداخته و اهمیت هویت‌بخشی به بافت در این خصوص در دهه‌های اخیر مطرح می‌شود؛ پس از بررسی مبانی هویت‌بخشی بافت‌های تاریخی به آزمون فرضیه در نمونه‌موردی و تحلیل آن منتهی می‌گردد.

پیشینه پژوهش

سابقه تحقیق در دو حوزه قابل بررسی است: اول، هویت کالبدی بافت‌های بارزهای تاریخی، و دوم، مبحث معماری در بافت‌های بارزهای تاریخی. مبحث نخست به‌رغم حضور پررنگ در گفت‌وگوهای تخصصی معماران و برنامه‌ریزان فضا و شهرسازان کمتر در پژوهش‌ها مورد عنایت قرار گرفته است. در قالب پژوهش، رساله "بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری" که برای دریافت درجه دکتری شهرسازی دانشگاه تهران نگاشته شده است؛ مستقیماً به موضوع هویت مکانی و برداشت افراد از چنین هویتی مربوط می‌شود. نیز رساله "تدوین معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها- نمونه‌موردی: تهران" برای دریافت درجه دکتری شهرسازی دانشگاه تهران، به معیارهای ارزیابی هویت کالبدی شهر می‌پردازد. این پژوهش به هویت کالبدی تنها از دیدگاه مورفولوژی می‌پردازد و شهر تهران را نمونه مورد بررسی قرار داده است. مقالات مختلفی نیز در این زمینه تدوین شده است؛ بیشتر مقالات به هویت شهری از زاویه روان‌شناسی محیط می‌پردازد.

در نهایت، تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار Spss انجام شد.

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، تست Tukey براساس جدول ۳ در نرم‌افزار Spss، نشان‌دهنده تفاوت معنادار پاسخ‌های گروه قدیمی با قدمت ۴۰ سال به بالا، با سایر گروه‌ها بود. لذا این گروه، مرجع رویکرد طراحی معماری میان‌افزا شناسایی شدند. سپس نتایج این گروه جهت شناسایی رویکرد مطلوب معماری موردتحلیل در نرم‌افزار Spss قرار گرفت که در بخش نتیجه‌گیری بدان اشاره می‌شود.

سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

- منبع رجوع شناسایی رویکرد طراحی معماری میان‌افزا در بافت‌های تاریخی در جهت ارتقای هویت بافت چیست؟
- خاطرات مشترک ذهنیت‌های اصیل در یک محله باارزش تاریخی چگونه می‌تواند بر نحوه شکل‌گیری معماری جدید در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت امامزاده یحیی به‌عنوان بخشی از عودلاجان، تأثیر گذارد؟

- ذهنیت اصیل در بافت تاریخی، سرچشمه تعیین رویکرد معماری در بافت‌های تاریخی در جهت ارتقای هویت بافت است.
- رویکرد معماری از دیدگاه ذهنیت‌های اصیل در بافت تاریخی از خاطرات جمعی مشترک در بافت تبعیت می‌کند.

روند تحول معماری در بافت‌های تاریخی

تحول معماری در بافت‌های تاریخی، نقاط عطفی را شامل می‌شود؛ که روند آن در این نوشتار موردمداقه قرار می‌گیرد. معماری در بافت‌های شهری در فضای سنتی به‌هیچ‌عنوان دغدغه‌برانگیز نبوده؛ و بنا کاملاً هماهنگ و همساز با بافت بنا می‌شده است؛ اما با صنعتی‌شدن هنر و معماری، افزایش تکنولوژی در قرن نوزدهم، افزایش شهرنشینی و ظرفیت تولید انبوه به‌تدریج معماری به سبکی نو مطرح گردید. معماری سبک کارخانه‌ها که با صنعت سنخیت داشت وارد فهرست سبک معماران شد. به‌طوری‌که در نیمه اول ۱۹۲۰، به‌عنوان روشی مقبول موردارزیابی طراحان قرار گرفت؛ و آن را نتیجه منطقی روح زمان خود دانستند. به‌تدریج هماهنگی^۸ با بافت قدیم نه تنها لازم نبود بلکه توهین‌آمیز می‌نمود (برولین، ۱۳۸۳: ۱۰). به‌طوری‌که در سال ۱۹۳۱ در آتن، مقرراتی برای حفظ آثار باستانی تدوین گردید. بر مبنای ماده ۷۰ این منشور، به‌کاربردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید واقع در محوطه‌های تاریخی به‌انکای ادعاهای زیبایی‌شناسانه به‌عواقب نامطلوبی منجر می‌شود. به‌هیچ‌صورت نباید اجازه داد که این عادت تداوم یابد و به هر شکلی این‌گونه خواسته‌ها و اقدامات عملی شوند (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴).

در حوزه دوم نیز کمتر با موضوع معماری در بافت‌های تاریخی، پژوهشی جدی انجام شده و بیشتر پژوهش‌ها در قالب منشورها، قوانین و ضوابط و الزامات محیطی مطرح شده‌اند. چند پژوهش انجام‌شده بدین ترتیب است: رساله "معماری نو در زمینه باارزش" دوره دکتری در دانشگاه تهران. در این پژوهش به بررسی اصول معماری مدرن در بافت‌های باارزش تاریخی می‌پردازد و معیارهای مناسبی را جهت ثبت معماری‌های باارزش معاصر ایران مطرح می‌نماید؛ که مورد رجوع پژوهش حاضر نیز بوده است. تحقیق بعدی در دانشگاه مالزی سنگاپور انجام شده است؛^۹ این پژوهش گرچه با هدف دستیابی به زیبایی در بافت‌های باارزش تاریخی آغاز شده است، اما در نهایت به پژوهش در نوع معماری در بافت‌های باارزش می‌پردازد؛ و نتیجه می‌گیرد که در بافت تاریخی شیراز اقبال عمومی با معماری هماهنگ با بافت است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این نوشتار، کیفی، با رویکرد موردپژوهی (مطالعه‌موردی) است. در استراتژی مطالعه‌موردی، روش‌ها و شیوه‌های متعدد کمی، کیفی و ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ابزار و شیوه‌های مورد استفاده در این تحقیق پرسش‌نامه،^۲ مصاحبه عمیق^۴ و مطالعات کتابخانه‌ای^۵ است. بیشتر تحقیقات موردی به علت فرصت بررسی باز، قادر به استخراج روش‌های استقرایی پژوهش می‌شوند؛ که هدف آن تئوری‌سازی و ایجاد فرضیه و نه صرفاً آزمون آنهاست. نمونه‌موردی مورد مطالعه، محله امامزاده یحیی در عودلاجان شرقی است؛ که از مهم‌ترین محلات مسکونی در تهران قدیم بوده است. این بافت دانه‌های باارزش زیادی دارد؛ و علاوه بر آن بافت شهری باارزشی را نیز شامل می‌گردد.

نخست، براساس مبانی نظری جهت استخراج خاطرات جمعی بافت تاریخی، از ذهنیت‌های اصیل در بافت امامزاده یحیی مصاحبه‌ای به عمل آمده است؛ که شامل خاطرات مشترک ملموس و ناملموس محله است. سپس پرسش‌نامه‌ای که سؤالات خاطرات مشترک استخراج‌شده ذهنیت‌های اصیل، و نیز پاسخ‌هایی را در قالب طیف لیکرت^۶ معماری متضاد تا تشابه در بافت شامل می‌شد؛ تنظیم گردید. پس از آن، در چهار گروه قدمت سکونت شامل ساکنان قدیم و جدید، توزیع شد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران،^۷ ۳۲۹ نفر محاسبه شد؛ با توجه به جمعیت ۲۲۵۰ نفری محله امامزاده یحیی که در بردارنده تمام گروه‌های سنی و تمام گروه‌های قدمت سکونت می‌شود. پس از حذف پرسش‌نامه‌های بدون استناد، ۳۳۰ پرسش‌نامه تحلیل شد.

مقررات مطرح سال ۱۹۳۱ آتن و راهنمای طراحی تدوین شده توسط وزارت آموزش و پرورش در ایتالیا (۱۹۳۱-۱۹۳۲) درباره ساختمان‌های جدید در بافت‌های تاریخی، تأکید بر معماری ساده با خصوصیات مدرن دارد (Jukilehto, 1998, 43). اما از طرفی معمارانی مانند جیمز استرلینگ،^۹ راب کریر^{۱۰} و لئن کریر،^{۱۱} نه تنها لزوم حفظ انسجام شهر تاریخی را از راه فهم و به‌کارگیری شکل‌ها، مقیاس‌ها، تناسبات و نحوه زندگی یادآور شدند، بل آن را به‌مثابه راهنمایی برای ساخت و سازهای جدید معرفی کردند. در کل می‌توان گفت، معماری در بافت‌های تاریخی در این دوره پیرو نظریه‌های مدرنیسم تأکید بر عدم تقلید داشت.

ویرانی‌های گسترده ناشی از جنگ جهانی دوم و نیاز به بازسازی شهرها و یادمان‌های تاریخی از یک سو و نیاز به اسکان خیل عظیم بی‌سرنیاه از سوی دیگر، رویکردهای متفاوتی را نسبت به آثار تاریخی برانگیخت. به تدریج تغییراتی اساسی در رویکردها ایجاد شد؛ چنانکه در ۱۹۷۲ در بوداپست بیانیه‌ای بر محیط انسانی تأکید دارد. هدف اصلی این بیانیه، تأکید بر استفاده از معماری معاصر در مجموعه‌های ساختمانی و باززنده‌سازی ابنیه یا بافت با عملکرد مناسب است. در این بیانیه گذشته، حال و آینده به صورت کلی نگریسته شده و هماهنگی میان هر سه زمان باید حفظ شود (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴: ۱۴۰).

اصول پیشنهادی شورای اروپا در ۱۹۷۵، بر امکان حضور معماری معاصر به شرط انطباق با بافت کهن و لزوم معاصر سازی بافت‌ها و تجهیزات زیرساختی تأکید دارد. از نظر این شورا، حیات شهر به تعادل الگوهای مسکونی شهر و حفظ شخصیت مسکونی مرکز شهر وابسته است. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید بر پایه حداکثر اطلاعات مربوط به هویت و اشکال خاص شهر استوار باشد. هر شهر دارای هویت خاص خویش است؛ که لازم است؛ ایقا گردیده و از آن حمایت شود. وابستگی منطقه‌ای، موقعیت جمعیت، حدود فضایی آب و هوا، فرم رنگ منشأ و خاستگاه تاریخ و عملکرد آن شهر مؤلفه‌هایی هستند؛ که آن را از سایر شهرها متمایز می‌کند (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۱: ۱۴۱).

با پررنگ شدن عوامل اجتماعی در احیا، مسئله هویت و تعلق ساکنان در رأس اقدامات مداخله در بافت‌ها قرار می‌گیرد. به طوری که در سال ۱۹۷۶ اعضای یونسکو تصویب کردند؛ مناطق تاریخی و محیط‌های اطراف، علاوه بر فیزیک و کالبد از فعالیت‌های اجتماعی نیز برخوردار شوند؛ در واقع اجزای بافت تاریخی دارای وحدتی^{۱۲} کلی است. همچنین، هر ساخت جدید باید با هدف عدم ناهماهنگی در منظر بافت

تاریخی باشد. از طرفی، ساخت بناهای جدید باید هماهنگ با زندگی معاصر باشد (Jukilehto, 1998: 57)

به این ترتیب در سال ۱۹۸۱ منشور «بورا» برای حفظ مکان‌های عمده فرهنگی، در بند دوم خود حفاظت را شامل حفاظت از آینده از طریق بازیابی برجستگی فرهنگی یک مکان می‌داند. بدین ترتیب، حفظ روح یک مکان و شیوه زندگی (چشم انداز فرهنگی) اهمیتی برابر با حفاظت یک شی هنری پیدا کرد. روش‌های حفاظت و طراحی شهری با نتایج برانگیزنده‌ای که دارند، با هم تصادم پیدا می‌کنند. لذا مداخلات در این دوره مردم‌گرایانه است؛ که سعی دارد؛ مردم را به عنوان مخاطبان اصلی هر نوع مداخله‌ای در فرایند محصول و طراحی بافتها شریک کند. در سال ۱۹۸۲ م، بیانیه «تریندا» مشارکت مردم را به عنوان وظیفه اخلاقی دولتمردان و مردم تلقی می‌کند (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴).

در امتداد چنین اندیشه‌هایی "ایکوموس" در خصوص حفاظت از شهرها و محدوده‌های تاریخی در سال ۱۹۸۷ بیانیه‌ای بدین شرح اعلام می‌دارد: "در زمانیکه ضرورتی برای ساخت بنای جدید و یا بهره‌گیری از بناهای موجود پیش می‌آید، بناهای موجود، به لحاظ مقیاس و توده، می‌بایست مورد احترام و پذیرش قرار گیرند. بهره‌گیری از عناصر معاصر در انطباق با محیط پیرامونی تا زمانیکه نتوانند بر غنای ماهیتی و عملکردی محدوده‌های تاریخی بیافزایند، باید رواج داده شوند (Mansell: 1998: 75). از نظر بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰ م) مداخله در آثار (و از جمله بافت‌های کهن شهری) باید به شکلی انجام گیرد؛ که در جهت احترام و حفظ یکپارچگی سایت، پیوستگی فیزیکی و فرهنگی منظر، و پیوستگی یک ساختار با پیرامونش باشد (مسعود و بیگ زاده شهری ۱۳۹۱: ۸۹).

همانطور که در تصویر ۱ ملاحظه می‌شود کالبد معماری در ابتدا با آغاز تحولات مدرنیسم به سمت ناهماهنگی با بافت شهری پیش رفته است؛ و پس از جنگ جهانی دوم و در دوره بازسازی‌ها به اوج گستردگی مدرنیسم در شهر و اغتشاش در کالبد می‌رسد.

سپس با نابودی فضاها شهری در اثر عدم هم‌پیوندی‌ها و نادیده انگاشتن زمینه در ساخت و سازهای جدید، نظریه پردازان به رویکردهای نو در زمینه بناهای نو در بافت توجه می‌کنند؛ و زمینه‌گرایی و توسعه یکپارچه در مداخلات اهمیت هماهنگی با بافت و حفظ ارزشهای بافت در مداخلات را مطرح می‌سازد. لذا در دوره معاصر اهمیت ایجاد حس مکان، مشارکت افراد، و تأمین نیازهای ساکنین و از همه مهمتر حفظ و احیای هویت از دست رفته بافت تاریخی در اولویت مداخلات از جمله معماری در بافت تاریخی است. لذا

واقعیت و عینیت، بلکه بر اساس تجربیات و ذهنیات خود عکس العمل در رفتار و فعالیت نشان می دهد" (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۴۸)، (تصویر ۲).

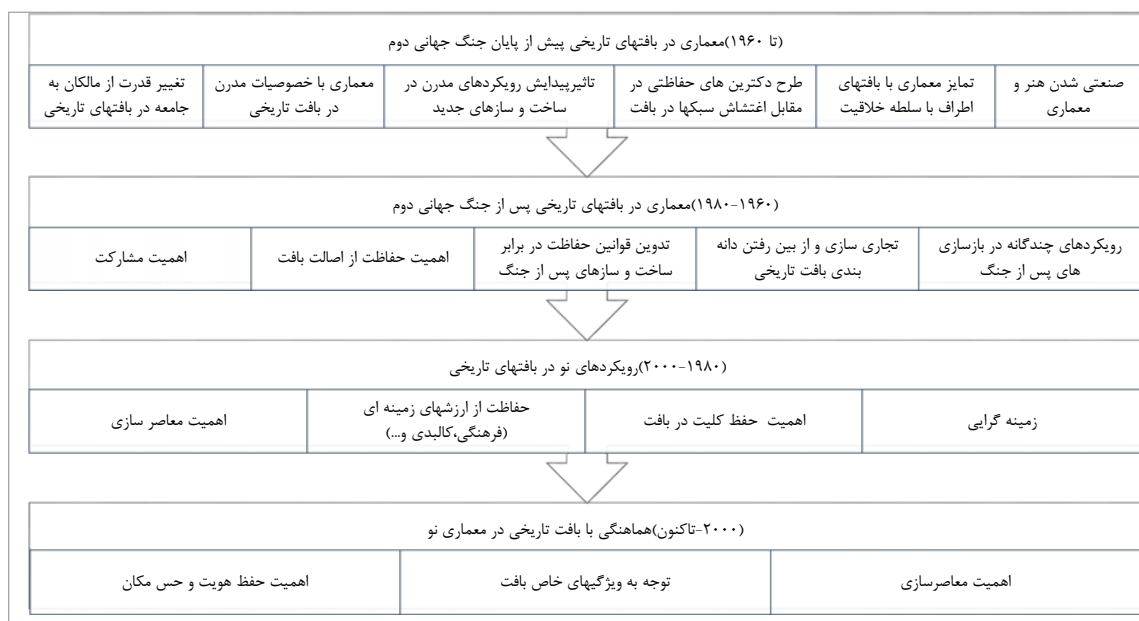
هویتی که تنها توسط پژوهشگر و در یک مقطع زمانی تشخیص داده می شود؛ تنها به بخش ثابت و لا متغیر این کیفیت می پردازد. آنچه که کیفیت زنده و پویای هویت را می تواند تعریف کند؛ ذهن درگیر با پدیده است. که همواره از آن تأثیر پذیرفته، و بر آن تأثیر گذارده است. روند تغییرات را درک کرده، بر آن مؤثر بوده و می تواند در ادامه آن تأثیر جدی داشته باشد.

در این زمینه حبیبی عنوان می کند. که شهر دارای حافظه است؛ وقتی از هویت شهر صحبت می کنیم؛ به چیزی رجوع می کنیم که در پس ظاهر و در بطن شهر نهفته است. و ممکن است؛ هیچ گونه ارتباطی به شکل و ظاهر شهر نداشته باشد. مهم این است که در داخل شهر چه می گذرد. چه هنجارها و رفتارهایی در شهر به وقوع می پیوندد و به شهر هویت می دهند (حبیبی ۱۳۸۴: ۸). حافظه شهر در واقع ذهنیت اصیلی است؛ که می تواند رویدادها و روایات را در مکانهای خاص به یاد آورد؛ و به خاطر بسپارد؛ و نیز به فضاهای شهری مکانیت بدهد. ذهنیت اصیل ذهنیتی است که علاوه بر یادآوری خاطرات تاریخی و

در دوره معاصر شکل گیری کالدهای جدید در بافت تاریخی در جهت ارتقاء هویت و حس مکان مطرح می گردد. بحث هویت بخشی به بافتهای تاریخی و ارتقاء آن، مدتها است؛ که مورد توجه و تأکید است. لذا در این بخش به تبیین مختصری از هویت کالبدی در بافت می پردازد.

هویت در بافتهای با ارزش تاریخی

هویت شهرها، وابسته به سه عامل انسانی، طبیعی و مصنوع است؛ اما این عوامل در صورتی می تواند منجر به هویت بخشی گردد؛ که توسط انسان درک گردد؛ از طرفی هویت فضا در ارتباط با انسان شامل دو بخش هویت مکان و هویت مکانی است. هویت مکانی مرتبط با خاطرات افراد نسبت به آن مکان و هویت مکان نیز به تمایز فضا با سایر فضاهای شهر می پردازد؛ که ارتباطی با خاطره ندارد (بهزادفر؛ ۱۳۸۶: ۵۹-۶۶). اساساً تمام صاحب نظران در این حوزه معتقدند؛ هویت فضا در ارتباط با انسان شکل می گیرد. "انسان توسط فرایند ادراک مشخصات عینیت مزبور را با کمک حواس به مغز منتقل کرده و پس از انطباق با اندوخته های خود در حافظه خود آن را ارزیابی و شناسایی می کند. سپس با تعاملی میان انسان و محیط (ادراک و رفتار) آن را تجربه نموده و ذهنیتی از آن پدیده به دست می آورد. از آن پس انسان نه بر اساس



تصویر ۱. نمودار روند عوامل مؤثر بر معماری میان افزا در بافتهای تاریخی (نگارندگان، ۱۳۹۳)



تصویر ۲. نمودار فرایند تبدیل معنا به این همانی (نگارندگان، ۱۳۹۳)

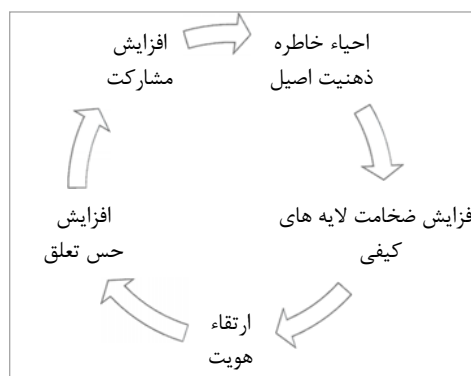
رویدادها به فضاها دل بسته است و می‌تواند در تداوم آن نقش آفرینی کند. که این مفهوم می‌تواند با خاطره جمعی در ادبیات تخصصی شهری برابری کند.

آلدوروسی معمار نوخردگرای ایتالیایی نخستین کسی است؛ که مفهوم خاطره جمعی را وارد ادبیات معماری و شهرسازی نمود. روسی در بخشی از کتاب مشهورش "معماری شهر" از شهر به مثابه تاریخ یاد کرده و به دو روش تاریخی نگاه به شهر اشاره میکند. نخست شهر به مثابه یک عنصر مصنوعی مادی "که رد پای زمان بر روی آن به چشم می‌خورد" و دیگر تاریخی به مثابه مطالعه ساختار شکل‌گیری مصنوعات شهر^{۱۲} (Rossi, 1982, 128). از دیدگاه یی - فوتوان^{۱۴} خاطره جمعی را بطنه تنگاتنگی با هویت شخص و هویت مکانی دارد. که ایجاد هویت مکانی نیز خود موجب ارتقای حس مکان خواهد شد (گلکار ۱۳۷۸: ۳۷).

نتیجه حفظ و ارتقای هویت اساساً باعث افزایش حس تعلق به مکان و افزایش مشارکت پذیری افراد می‌شود. که در نتیجه در ابعاد مختلف احیاء می‌تواند؛ مؤثر باشد. از جمله، ایجاد تمایل به سرمایه‌گذاری، افزایش روحیه مشارکت‌پذیری، تلاش برای پاکیزه نگه داشتن محیط، و... . از نگاه حجت آنچه اثری را در نگاه عموم با - یا بی - هویت جلوه میدهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت، اثری است؛ که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد؛ چون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی، و اثر بی هویت اثری است؛ که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد؛ مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخی (حجت، ۱۳۸۴: ۵۷)، (تصویر ۳).

نمونه‌موردی

بافت تاریخی امامزاده یحیی، در شرق بافت عودلاجان قرار گرفته است. در نقشه ۱۲۷۵ ه.ق تهران به پنج محله اصلی



تصویر ۳. نمودار فرایند ارتقای هویت از طریق احیای خاطرات مشترک ذهنیت‌های اصیل (نگارندگان، ۱۳۹۳)

ارگ، عودلاجان، چاله میدان، بازار، و سنگلج تقسیم شده است. در واقع زوال شهر ری آغازی برای رشد آبادی های اقماری آن از جمله ده تهران به دلیل آب و هوای مساعد و توان طبیعی مطلوب آن در زمینه کشاورزی و ارتباطی بوده است. رشد سریع کالبدی شهر تهران در ۵۰ سال پادشاهی ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه اتفاق افتاد. در این دوره عودلاجان یکی از ۱۲ محله دارالخلافت تهران و در چارچوب دوره تاریخی خود دارای مرکز محله، مساجد، گذرگاه های عبوری اصلی به سایر محله ها، آب، قنات، معابر گذرگاهی، کالسکه و درشکه بافت در هم تنیده طبقاتی با حضور اقشار بسیار بالا (شامل دیوانیان معتمدان، اعیان، شاهزادگان، روحانیون) اقشار میانی (دیوانی، فرایش باشی ها، کاسب کاران) و رعیت، و عمه جات، بود. که البته هر یک حرائم خاص خود را ناگزیر بر بستر مناسب طبقاتی آن زمان داشتند. در قسمت شمالی محله، بیشتر اعیان و ثروتمندان، و در جنوب اقشار متوسط و نیز یهودیان سکونت داشتند (فدایی نژاد و کرم پور، ۱۳۸۵: ۸۵).

روش تحقیق و تحلیل داده‌ها

از آنجایی که روش تحقیق در جهت تئوری سازی، و به صورت استقرایی پیش می‌رود؛ و بر اساس مبانی نظری جهت دستیابی به هویت بافت، لازم است؛ به خاطرات نهفته در کالبد بافت رجوع گردد. لذا در ابتدا پس از مصاحبه عمیق از ۱۰ نفر از اهالی قدیمی که به مدت بالای ۴۰ سال در بافت امامزاده یحیی سکونت داشته اند. به تبیین خاطرات مشترک اهالی قدیمی در بافت می‌پردازد. در نتیجه خاطرات مرتبط با کالبد بافت تاریخی و کالبد های خاطره ساز شامل دانه های بارزش شناسایی گردید. این خاطرات شامل افراد، وقایع و کالبدهای مختلف بودند که منتج به ایجاد تصاویر ذهنی ماندگار شده بودند. تعدادی از خاطرات و وقایع، مرتبط با بناهای معماری بوده است؛ که بر دو دسته تقسیم می‌شوند. تعدادی کالبدهای مرتبط با رویدادها و خاطرات که بیشتر شامل دانه های بارزش بافت است، و تعدادی رویداد که مکانهای خاصی را در بافت شامل می‌شدند. مانند پلاک‌هایی که در گذشته خانه های مسکونی افراد سرشناس بافت بوده اند و اکنون تخریب گشته اند مانند (خانه حاج آقا سرخه‌ای)..... در مرحله دوم، جهت پاسخ به سوال اول تحقیق پرسشنامه، سوالاتی بر اساس خاطرات استخراج شده از مصاحبه با اهالی قدیم که با کالبد معماری بافت مرتبط بودند؛ تنظیم و پس از تایید صاحب نظران به آزمون فرضیه نخست در نمونه موردی گذارده شد. پرسشنامه بین تمامی اهالی با قدمت سکونت‌های مختلف توزیع گردید. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران

بین تمام اهالی (که به صورت تصادفی در تمام محله امامزاده یحیی انتخاب شده است) پرسشنامه ارائه شده و یکی از سوالات بدین ترتیب تنظیم شده است.

برای پی بردن به تفاوت معنا دار بین گروه ها، تست Tukey به عنوان Posthoc در جدول ۳ استفاده شده است که بین گروه ذهنیت اصیل (قدمت سکونت بالای ۴۰ سال) و سایر گروه‌ها کاملاً تفاوت وجود دارد.

لذا در پاسخ به سوال اول و با توجه به اینکه در مقایسه بین گروه‌های مختلف با قدمتهای مختلف سکونت گروه بالای ۴۰ سکونت همگن و دارای تفاوت معنادار با سایر گروه‌ها است لذا این گروه به عنوان منبع رجوع رویکرد معماری میان افزا می باشند.

۳۲۹ نفر محاسبه شد (با توجه به جمعیت ۲۲۵۰ نفری محله امامزاده یحیی). که پس از حذف پرسشنامه‌های غیر قابل استناد ۳۳۰ عدد پرسشنامه تحلیل شد. پرسشنامه، بر اساس خاطرات مشترک تنظیم؛ و پاسخ‌ها در طیف لیکرت، به صورت تصویری به همراه توضیح ارائه گردید. که شامل معماری از تضاد تا تشابه با معماری بافت بوده است.

به عنوان نمونه سؤال زیر بر اساس خاطره مشترکی است، که اهالی اصیل بافت از "حاج آقای سرخه ای"، امام جماعت و معتمد محل و از علمای بزرگ تهران در آن دوره دارند. منزل ایشان در حال حاضر تخریب؛ توسط شهرداری تهران خریداری شده؛ و در حال تهیه نقشه جهت بازسازی است. لذا

«با توجه به اینکه مرحوم حاج آقای سرخه ای از علمای بزرگ محله بوده است؛ کدام یک از بناها را مناسب ساخت در زمین محل سکونت وی جهت بازسازی می دانید؟ (دقت بفرمایید که شماره انتخابی شما می تواند تکراری باشد)^{۱۵}

۱. بنای شماره ۱ □ ۲. بنای شماره ۲ □ ۳. بنای شماره ۳ □ ۴. بنای شماره ۴ □ ۵. بنای شماره ۵ □

<p>۱. این معماری بدون توجه به معماری بافت تاریخی ایجاد می‌شود.</p>		
<p>۲. این بنا طبق روش‌های معماری روز است.</p>		
<p>۳. این معماری به بافت احترام می‌گذارد و خود بنا جلوه زیادی ندارد.</p>		
<p>۴. این بنا معماری سنتی را با جدید تلفیق می‌کند.</p>		
<p>۵. این بنا مشابه معماری بافت ساخته می‌شود.</p>		

و در نهایت تحلیل داده‌ها از طریق آزمون تحلیل واریانس یک سویه (One Way Anova) در نرم افزار Spss انجام شد (جدول‌های ۱ و ۲).

از این رو جهت تبیین رویکرد معماری از دیدگاه ذهنیت اصیل (قدیمی)، در ارتباط با خاطرات مشترک گراف (تصویر ۴) استخراج گردید.

لذا در این تحقیق پیشنهاد ذهنیت اصیل جهت میان افزای معماری در مکانهای باغ ابراهیم خان، محل تخریب شده خانه حاج آقای سرخه‌ای (شخصیت مذهبی و سرشناس محل)، جنب امامزاده یحیی، جنب سرای کاظمی، حریم خانه نصیرالدوله و خانه مدرس معماری بین درجه ۴ و ۵ یعنی تلفیق و تشابه بوده است. از این رو رویکرد تلفیق تا تشابه طراحی معماری از نظر ذهنیت اصیل، بناهای میان افزای جدیدی را شامل می شود که در حریم منظری دانه های بارز بافت (مانند امامزاده یحیی)، مکان رویدادهای با بار

ارزشی خاص (محل خانه تخریب شده حاج آقای سرخه ای، و باغ ابراهیم خان) باشند.

رویکرد مناسب معماری میان افزا بین مدرن و آینه ای (بین طیف ۳ و ۲ در پرسشنامه) از نظر ذهنیت اصیل شامل کاربری های تجاری و دانه های لبه بافت (نبش خیابان ۱۵ خرداد) است. رویکرد مناسب طراحی معماری میان افزا از نظر ذهنیت اصیل جهت معماری جدید در گذرهای اصلی و لبه های بارز (خیابان ری به عنوان حصار قدیمی) و دانه های مراکز محله (میان افزا در میدان پسته بک) معماری آینه ای تا تلفیق (بین طیف ۳ و ۴ در پرسشنامه) پیشنهاد شده است. در نتیجه، ذهنیت اصیل، خواهان حرکت رویکردهای طراحی معماری میان افزا به سمت معماری جدید است؛ اما

جدول ۱. تست Homogeneity of Variances

Levene Statistic	df1	df2	Sig.
1.992	3	320	.115

(نگارندگان، ۱۳۹۳)

$Sig = .115 \geq .05$ لذا می توان گفت توزیع نرمال بین واریانس ها برقرار است.

جدول ۲. Anova Way One

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	32022.330	3	10674.110	2057.476	.000
Within Groups	1660.148	320	5.188		
Total	33682.478	323			

(نگارندگان، ۱۳۹۳)

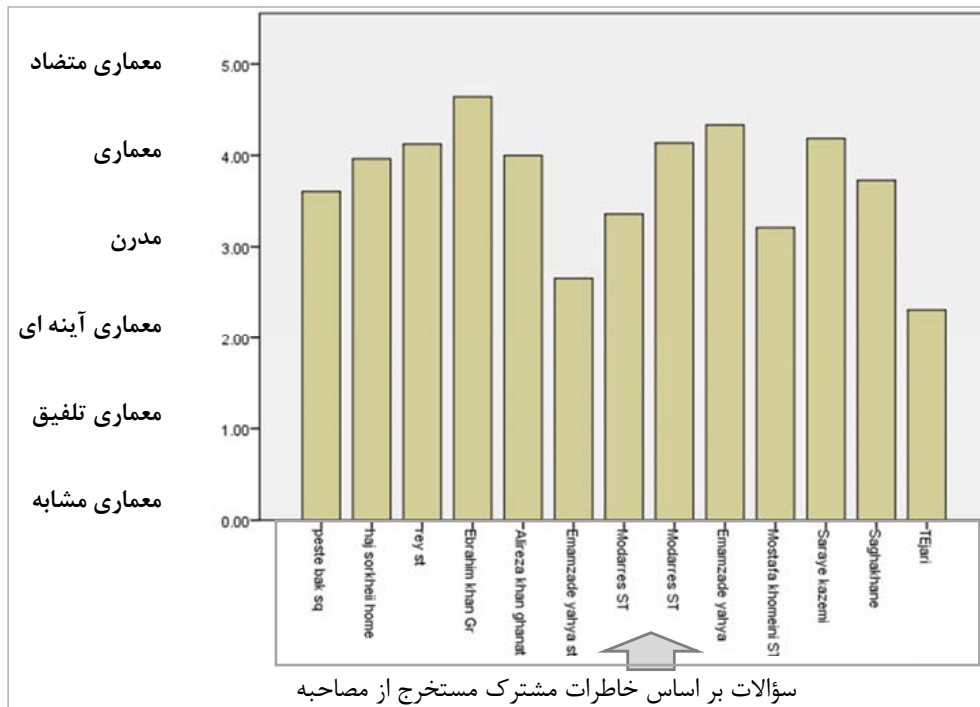
جدول ۳. Tukey Test

(I) Time	(J) Time	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.
upper40	under10	26.90123*	.35791	.000
	10-20	18.74074*	.35791	.000
	20-40	10.76543*	.35791	.000

(نگارندگان، ۱۳۹۳)

براساس تحلیل داده‌های موجود در این جدول، $F=۶۷۴,۷۵۰۲$ ، $P=۰.۱۰۰ \leq ۰.۰۵ = Df=۳$ ، برای پی‌بردن به تفاوت معنادار بین گروه‌ها، از تست Tukey به‌عنوان Posthoc در جدول ۳ استفاده شده است که بین گروه ذهنیت اصیل (قدمت سکونت بالای ۴۰ سال) و سایر گروه‌ها کاملاً تفاوت وجود دارد.

این حرکت در صورتی مورد پذیرش قرار خواهد گرفت؛ که نه تنها لطمه‌ای به هویت و خاطرات بافت وارد نسازد؛ بلکه در جهت افزودن لایه‌های ارزشی بافت حرکت کند (تصویر ۴). براساس داده‌های موجود در جدول ۲ برای به‌دست‌آوردن تفاوت بین چهار گروه از نظر قدمت سکونت از تحلیل واریانس یک سوپه (One Way Anova) استفاده شده است که



تصویر ۴. رویکرد ذهنیت‌های اصیل به معماری میان افزا در ارتباط با خاطرات جمعی (نگارندگان، ۱۳۹۳)

جدول ۴. انتخاب رویکرد معماری ذهنیت اصیل

معماری متضاد	معماری مدرن	معماری آینه ای	معماری تلفیق	معماری مشابه
۱	۲	۳	۴	۵
عدم پذیرش ذهنیت اصیل				
کاربری غیر مسکونی لبه بافت				
-گذرها و لبه‌های بارزش -مراکز محله				
حریم درجه ۱ و ۲ و حریم منظر دانه‌های بارزش مکان رویدادهای ارزشی (محل خانه افراد سرشناس - مکانهای خاطره‌انگیز مانند باغ‌ها در محله امامزاده یحیی)				

(نگارندگان، ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

با بررسی نمودارها و تفاوت معنادار بین ذهنیت‌های اصیل و جدید در مورد معماری میان افزا در بافت تاریخی و نیز ارتباط انتخاب ذهنیت اصیل با خاطرات می‌توان نتیجه گرفت؛ که خاطرات جمعی مشترک ذهنیت‌های اصیل در بافت تاریخی امامزاده یحیی می‌تواند؛ در تعیین رویکرد معماری میان افزا در بافت‌های تاریخی موثر باشد و لازم است؛ در جهت ارتقاء هویت بافت تاریخی مورد توجه قرار گیرد. توجه به مشارکت ذهنیت‌های اصیل بافت تاریخی در مرحله طراحی معماری میان افزا در بافت تاریخی می‌تواند؛ حس تعلق را افزایش داده و مشارکت را در مراحل بعدی احیا نیز به همراه داشته باشد. و به هم‌افزایی اقدامات در جهت ارتقاء هویت بافت منتج گردد. از این رو آنچه می‌تواند بر رویکرد معماری میان افزا در بافت موثر واقع شود در واقع ذهنیت‌اصیلی است که دارای سه ویژگی اصلی (۱) قدمت (۲) تعلق خاطر به بافت (۴) انباشت خاطرات مشترک است و این ذهنیت‌اصیل است؛ که قابلیت تحشیه‌نویسی در بافت باارزش تاریخی را دارد و آنچه می‌نویسد بر ارزش بافت خواهد افزود.^{۱۶}

معماری میان افزا در بافت تاریخی لایه‌های کیفی در بافت است؛ که سخن از امروز معماری دارد اما پیوندی است میان آینده و گذشته بافت. و این پیوند با ذهنیت‌اصیل بافت میسر خواهد شد. این نوشتار رویکرد معماری را در این قالب مورد بررسی قرار داده است؛ و معتقد است از این روش می‌تواند در تبیین سایر عوامل موثر بر کالبد میان افزا در بافت تاریخی یاری جست.

پی‌نوشت

1. Quality in town and country
2. Affected Variables on Successful Infill Design in Urban Historic Context
3. Questionnaire
4. Depth interview
5. Library Studies
6. Likert Scale
7. Cochran's test
8. Authenticity
9. James Stirling (1926-1992)
10. Rob Krier (1938)
11. Leon Krier (1946)
12. Unity
13. Urban Artificial
14. Yi-Fu Tuan

۱۵. سوالات بر اساس خاطرات مشترک اهالی قدیم و سرشناس بافت تهیه شده است.

۱۶. این بخش بر گرفته از سخنان مهندس بهشتی در مصاحبه عمیقی است که در این پژوهش در سال ۱۳۹۳ با ایشان انجام گردیده. ایشان معتقدند: ساخت و سازهای جدید در بافت تاریخی شباهت زیادی به تحشیه‌نویسی در کتب قدیمی دارد و اهلیت می‌خواهد باید به ارزش آن افزوده شود نه اینکه از آن کاسته شود. در واقع باید ادب ورزیدن در بافت تاریخی را آموخت و مدتی آموختن از بافت تاریخی را دنبال کرد تا سپس به محضر بافت تاریخی رسید و مانند ارکستری در آن ارکست نواخت.

منابع

- برولین، برنت سی (۱۳۸۳). معماری زمینه‌گرا. ترجمه راضیه رضازاده، تهران: خاک.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۱). مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶). هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۵). هویت و این همانی با فضا، صغه. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، (۲)، ۲۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵). لغت‌نامه. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۷۹). بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری. رساله دکتری.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نی.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۴). مرمت شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی‌رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت (۱۳۸۹). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی. (۱۳)، ۶۸-۵۵.
- فدایی‌نژاد، سمیه و کرم‌پور، کتابون (۰). بررسی سیر تحولات بافت و تأثیر آن بر خاطره‌زدایی از بافت‌های کهن (نمونه موردی محله عودلاجان تهران)، باغ نظر. (۶). شماره صفحه.
- گلکار، کورش (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان؛ محمدرضا و خاکسار، ندا (۱۳۸۹). هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن و فرامدرن، هویت شهر. (۷)، ۱۲۲-۱۱۳.
- مسعود، محمد و بیگزاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی. تهران: آذرخش.
- Mansell, J. (1998). **New Buildings in Historic Setting**. Warren, J.; Worthington, J. & Taylor S. (Eds). York: Architectural press.
- Rossi, A. (1982). **The Architecture of the City**. Cambridge, Massachusetts: the MIT press.



Received: 2015/02/03

Accepted: 2015/06/14



Identifying the Authentic Cerebration Criteria in the Modern Architecture of Valuable Historical Urban Textures in Order to Improve the Physical Identity of Historic Urban Textures (Case Study: Historic Urban Texture of Imamzade Yahya in Oodlajan)

Elham Parvizi* Mohammad Reza Bemanian
Mohammad Javad Mahdavi Nejad*****

Abstract

Historical urban textures remind the period of time that cities were constructed based on the requirements, purposes and tastes of residents. On the other word, the viewpoint of builders and residents were close together. But nowadays, without attention to the memories and fixation of citizens, rapid growth in historical urban textures leads to destruction of memories and perishing the identity of cities. Therefore architecture as an important sector of urban fabric, is experiencing rupture not only in the urban texture but also in the residents' authentic cerebration.

In addition to illuminating the importance of the authentic cerebration for the approach of new architectural design in historical urban textures, this paper aims to answer this question: How can we explain the architectural approach in infill developments through extracting living qualities from the authentic cerebration, with regard to the diverse architectural approaches ranging from opposition to similarity.

The research method is qualitative with case study approach. Data collecting is firstly based on library and digital resources. The information regarding architectural approach in historical urban textures and the ways of identity formation for the considered urban textures were firstly studied. Then the joint memories were identified through interviewing with the elder residents in the district of Imamzade Yahya- one of the three districts in Oodlajan. After distributing questionnaires among the residents, the data analysis was carried out by the means of SPSS software. The results indicate a meaningful relationship between the authentic and modern cerebration approach to the new architecture (infill developments). Besides, considering the variety of the studied places, there are some results concerning the authentic cerebration in historical urban textures that are related to land uses, proximity to the valuable urban grains, joint intangible events, etc. which are the cases in this point and all are capable of being extracted from the authentic cerebration of the urban textures. So in order to improve physical identity, the results should be employed in architectural design of historical urban textures.

Keywords: physical identity, modern architecture in historical urban texture, authentic cerebration

* Ph.D. Student in Architecture, Tarbiat Modarres University

** Professor, Faculty of Architecture, Tarbiat Modarres University

*** Associate Professor, Faculty of Architecture, Tarbiat Modarres University